

The Role of Rationality in the Establishment of New Islamic Civilization from the Perspective of Imam Khomeini and Ayatollah Khamenei

Seyed Shahab Lajevardi¹
masood moeinipoor²

1. PhD Student in Islamic Education, Baqerul Uloom University, Qom, Iran (Corresponding Author).

lajevardi91@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Political Science, Baqir Al-Uloom University, Qom, Iran.

masood.moeini@gmail.com

Received: 24 August 2017; **Accepted:** 12 December 2017

Abstract

The purpose of the present study is to investigate the role of rationality as an element in the establishment of new Islamic civilization and the fulfilment of its 5 stages according to the ideas of Imam Khomeini and Ayatollah Khamenei. In this regard, the written works of Imam Khomeini, especially Sharh-e Hadith-e Junud-e 'Aql va Jahl, Sharh-e Chehel Hadith, Sahife Imam, and also the speeches of the Supreme Leader during the years of his leadership and authority were accurately studied. The results of the study indicated that rationality is pivotal to the formation of all the stages of new Islamic civilization. Furthermore, the advice and guidelines provided by Imam Khomeini and Ayatollah Khamenei to achieve new Islamic civilization correspond to the rational tenets mentioned in the noble Hadith of wisdom and ignorance. If rationality flourishes and manifests in a civilization, that achieves its perfect and high goal, that is to say human prosperity, hence transcendental civilization would be formed. On the other hand, if rationality follows ignorance it moves to Asfal as-Safel'in (the lowest of the low) so mundane civilization would be formed.

Keywords: Imam Khomeini (God Rest His Soul), Ayatollah Khamenei, New Islamic Civilization, Rationality

جایگاه عقلانیت در شکل‌گیری مراحل رسیدن به تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای

سید شهاب لاجوردی^۱
مسعود معینی‌پور^۲

۱. دانشجوی دکتری معارف اسلامی، دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران (نویسنده مسئول).
lajevardi91@yahoo.com

۲. استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم(ع)، قم، ایران. masood.moeini@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۲۱

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی جایگاه عقلانیت به‌عنوان یکی از ارکان شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی در تحقق مراحل پنج‌گانه این تمدن در اندیشه امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای بود. در این راستا، مطالب مکتوب امام خمینی، خصوصاً در کتاب‌های شرح حدیث جنود عقل و جهل، شرح چهل حدیث و بیانات ایشان در صحیفه امام و همچنین بیانات مقام معظم رهبری در طول سال‌های رهبری و زعامت ایشان مورد واکاوی و مذاقه قرار گرفت. نتایج تحقیق حاکی از آن است که عقلانیت در شکل‌گیری تمام مراحل تمدن نوین اسلامی نقش اساسی و محوری دارد و تمامی توصیه‌ها و راه‌کارهایی که توسط امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای به‌منظور رسیدن به تمدن نوین اسلامی مطرح شده، منطبق با جنود عقلی است که در حدیث شریف جنود عقل و جهل مطرح شده است. به هر میزان که جنود عقل در یک تمدن شکوفا و متجلی شوند، آن تمدن به سمت تعالی و غایت قصوای خود که سعادت بشر می‌باشد، دست خواهد یافت و تمدن تعالی را شکل می‌دهد و در نقطه مقابل نیز به هر مقدار که از جنود جهل تبعیت کند، به سمت اسفل‌السافلین حرکت خواهد کرد و تمدن متدانی را شکل خواهد داد.

واژه‌های کلیدی: امام خمینی(ره)، آیت‌الله خامنه‌ای، تمدن نوین اسلامی، عقلانیت.

۱. مقدمه

رهبر معظم انقلاب، بنای یک نظام و تمدن اسلامی و یک تاریخ جدید را قضیه‌ای جدی دانسته و در یکی از بیانات خود خطاب به جوانان می‌فرماید: «باید همه احساس کنند که مسئولیت ایجاد تمدن اسلامی نوین بر دوش آنهاست» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

تمدن اسلامی نوین از ارکانی تشکیل شده است که وقتی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، باعث ایجاد آن می‌شوند. یکی از این ارکان در اندیشه مقام معظم رهبری، عقلانیت است که در کنار سه رکن دیگر، یعنی دین، اخلاق و علم باعث ایجاد تمدن اسلامی نوین می‌شوند.

ایشان مراحل پنج‌گانه‌ای را برای رسیدن به تمدن اسلامی نوین ذکر کرده و می‌فرمایند:

«ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله بعد تشکیل

دولت اسلامی است، مرحله بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله بعد تشکیل

تمدن بین‌الملل اسلامی است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۸/۶).

سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که عقلانیت به‌عنوان یکی از ارکان شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، چه جایگاهی در تحقق هر یک از این مراحل پنج‌گانه در اندیشه امام و آیت‌الله خامنه‌ای دارد؟

چارچوب نظری تحقیق حاضر، برگرفته از مطالب مکتوب حضرت امام، خصوصاً در کتاب‌های «شرح حدیث جنود عقل و جهل»، «شرح چهل حدیث» و بیانات ایشان در «صحیفه امام» و همچنین بیانات مقام معظم رهبری در طول سال‌های رهبری و زعامت ایشان می‌باشد؛ چراکه چارچوب و مبانی تفکر مقام معظم رهبری و امام خمینی در یک راستا است؛ رهبر معظم انقلاب نیز در مراسم اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی تصریح کرده‌اند: «راه ما همان راهی است که امام بزرگوارمان ترسیم کردند» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۳/۱۴). ایشان در عین حال، این مبانی را شکوفاتر و برجسته‌تر ساخته و گسترش داده و در برخی موارد تکمیل کرده‌اند.

۲. تعریف مفاهیم

یکی از مبانی مهم نظری در هر تحقیق تعریف مفاهیم مندرج در آن موضوع است. در این

راستا ابتدا مفاهیم موضوع تحقیق، یعنی تمدن اسلامی و عقلانیت به اختصار تشریح می‌شود.

۲-۱. تمدن اسلامی

تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور دین اسلام می‌گردد. به دلیل وجود همین پسوند، از یک سو قابلیت تحدید زمانی و تعریف معنایی دارد؛ زیرا آغاز و انجامش مشخص است و از سوی دیگر، دارای گستردگی مفهومی و موضوعی بسیاری است که همه پیچیدگی‌ها، ظرایف و جهان شمولی دین اسلام را به عنوان دین الهی - در خود دارد. بدین ترتیب تمدن اسلامی دارای همه ویژگی‌های تمدن الهی در چارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم (ص) است و مؤلفه‌های آن دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و... است؛ چنان‌که مدینه‌النبی، شهر نوین پیامبر اکرم که براساس همین ارکان استوار شد و تمدنی را ایجاد کرد که مبانی آن قرآنی و نبوی بود. در آن مدینه فاضله، انسان به عنوان موجودی برگزیده در مقام «خلیفه‌اللهی» وظایف خطیری را بر عهده داشت و در تکاپوی رسیدن به «قرب الی الله» و رضایت خدا همه مراحل رشد و تعالی را با تمسک به قوانین الهی و سنت نبوی طی می‌کرد (جان احمدی، ۱۳۸۸، ص ۵۱ - ۵۲).

با این بیان می‌توان به طور کلی تمدن اسلامی را این گونه تعریف کرد: «تمدن اسلامی با اساس نگرش توحیدی، تمدنی است ایدئولوژیک با مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه اسلامی که انسان را به سوی کمال معنوی و مادی سوق می‌دهد» (فوزی، ۱۳۹۱، ص ۱۹).

مقصود از «ساخته‌ها» آن بخش از حیات تمدنی است که در شرایط عادی در جامعه وجود ندارد و انسان آن را می‌سازد. مراد از «اندوخته‌ها» نیز آن چیزی است که از انباشتن تجربه‌ها و داده‌ها، دانش‌ها، قراردادهای و اختراعات گذشته جوامع بشری، تحت نفوذ حکومت اسلامی به جامعه اسلامی به میراث رسیده است. بنابراین فرهنگ و تمدن اسلامی مجموعه‌ای از همه آداب و رسوم، اعتقادات و باورها، سنن، معارف، علوم اسلامی و ذخایر مشترک مادی و معنوی است که در میان ملت‌های مسلمان وجود دارد (همان).

با بررسی جملات و بیانات حضرت امام خمینی (ره) استنباط می‌شود که مقصود ایشان از تمدن، همان پیشرفت و ترقی است. ایشان پیشرفت‌های صنعتی و اقتصادی در قالب آبادانی و تأسیس نهادها و ساخت ابزارهای جدید را از مصادیق تمدن به شمار می‌آورند (همان، ج ۳، ص ۳۶۸). ولی ایشان تمدنی را مفید و سازنده می‌داند که براساس مبانی دینی شکل گرفته باشد. از این روست که نهضت اسلامی را مصداق نهضت متمدن معرفی می‌کند (همان، ج ۴، ص ۱۷۳).

با توجه به نظریه دو فطرت امام خمینی، طبیعت انسان (فطرت محجوبه) گرایش به رفع نیازمندی‌ها، استیلا، شقاوت، ظلم و استخدام دارد (امام خمینی، ۱۳۷۷ الف) که لازمه آن اضطراب به مدنیت و زندگی اجتماعی است. بدین لحاظ انسان به حکم طبیعت، قدرت‌طلب و استیلاجو است؛ چون اقتضای طبیعت حیوانی انسان چنین است. ولی از منظر امام، سرشت (حقیقت) انسان غیر از طبیعت انسان است. ذات و حقیقت انسان بر فطرت مخموره مبتنی است (همان، ص ۷۷-۷۹) که هدایت‌پذیر و هادی‌خواه است (همان، ص ۷۹)؛ چون سرشت و فطرت مخموره، کمال‌خواه، مطلق‌طلب و توحیدی است؛ از این‌رو انسان، مدنیت و اجتماع را (به اقتضای فطرت مخموره) انتخاب می‌کند تا هدایت الهی را از مجرای انسان کامل و عادی اخذ (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۴۲۳) و روح ملکوتی و کمال‌خواه خود را ارضا کند. بدین لحاظ انسان بماهو انسان (فارغ از هر عاملی) مدنی‌الفطره است؛ چون مدنیت جزء فطرت مخموره است. به عبارت دیگر، طبیعت انسان برای ارضای نیازهای غضبیه، شهویه و وهمیه (همان، ج ۴، ص ۸۳-۸۴ و ۱۴۹) مضطر به اجتماع است و از سوی دیگر، فطرت انسان برای ارضای نیازهای عقل، تنفر از نقص و کمال مطلق‌خواهی، هدایت توحیدی و هادی‌طلبی و مدنیت (همان، ص ۷۹) مجبور به مدنیت و زندگی جمعی است.

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، تمدن اسلامی با زندگی انسانی، ارتباط معنایی تنگاتنگی برقرار می‌کند. در این زمینه، تعبیر «زندگی خوب و عزت‌مند» را به کار برده‌اند که چهار ویژگی کلان را برای زندگی انسانی در تمدن اسلامی می‌توان برشمرد: ۱. علو معنوی و مادی؛ ۲. جهت‌مندی؛ ۳. نظم و ۴. سازگاری با طبیعت و محیط. مفهوم دیگر در چپستی تمدن از منظر آیت‌الله خامنه‌ای،

ربط معنایی تمدن و امت است. ایشان بارها در بحث درباره تمدن اسلامی، از امت اسلامی یاد کرده‌اند. شاید نکته قابل توجه در این زمینه این باشد که ایشان ضمن اشاره به تنوع ملیت‌ها و کشورها درون امت اسلامی، دستیابی به تمدن مطلوب قرآنی را به‌عنوان چشم‌انداز مشترک امت اسلامی در کشورهای مختلف دانسته‌اند: «امت اسلامی با همه ابعاض خود در قالب ملت‌ها و کشورها باید به جایگاه تمدنی مطلوب قرآن دست یابد». (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۲/۹)

بنابراین، می‌توان این‌گونه خلاصه کرد که ایشان تمدن اسلامی را در دو سطح تحلیل و تبیین می‌کنند:

یکم: در سطح اول (سطح خرد)، ایشان تمدن اسلامی را نظام‌واره‌ای می‌دانند که زندگی خوب و عزت‌مند را برای انسان (مخلوق) مهیا می‌کند تا او به غایت مورد نظر خدای متعال (خالق) دست یابد.

دوم: سطح دوم (سطح کلان)، ایشان تمدن اسلامی را چشم‌انداز و هدف غایی حرکت امت اسلامی در میان اجتماعات بشری تعریف و تبیین می‌کنند که البته گویا برای امت اسلامی، تمدن‌های اسلامی (ولی با مشترکات هویتی مشترک) قائل هستند؛ زیرا تنوع ملت‌ها و تفاوت شرایط فرهنگی و اقلیمی را در این بحث به رسمیت می‌شناسند. (بهمنی، ۱۳۹۳، ص ۲۰۸)

۲-۲. عقلانیت

عقلانیت مصدر صناعی و مجعول از صفت عقلانی به معنای منسوب به عقل است و هم‌چنان‌که مفهوم انسانیت، مصدر صناعی از انسانی به معنای منسوب به انسان است و شناختش بر شناخت انسان متوقف است، تصور عقلانیت نیز متفرع بر شناخت عقل است. عقلانیت، مجموعه منسجمی از اندیشه‌هاست که در چهارچوب مبانی، اهداف، اصول و راهبردها با یکدیگر پیوند یافته‌اند. این انسجام، هم می‌تواند مراتب مختلفی داشته باشد و هم می‌تواند از منابع معرفتی گوناگون دینی، تجربی، استدلالی، شهودی و حتی خواسته‌های بشری بهره جسته باشد. عقلانیت‌ها گاه برآمده و همسو با معرفت دینی و داده‌های وحیانی‌اند که با مدد عقل، عقلانیت دینی را تولید می‌کنند و می‌توانند نسبت‌های گوناگونی با دین داشته باشند؛ چنان‌که معرفت‌های بریده از وحی

نیز عقلانیت‌های خودبنیاد را رقم می‌زنند (نعیمیان، ۱۳۸۹، ص ۵۵ و ۵۶).

در تقسیمی کلان، عقلانیت‌ها می‌توانند یا خودبنیاد و تنها محصول اندیشه آدمیان باشند یا عقلانیت هدایت‌شده. البته از خودبنیادی تمام‌عیار تا هدایت‌شدگی، طیف گسترده‌ای را می‌توان شاهد بود که در این میان، ظرفیت هدایت‌پذیری عقلانیت‌ها و اراده معطوف به هدایت‌طلبی در آنها متفاوت است (همان، ص ۱۲۴).

امام خمینی با استناد به حدیث شریف جنود عقل و جهل به تعریف عقل و عقلانیت می‌پردازد. از این رو، عقلانیت از منظر امام بر خلاف عقلانیت سکولار، تحت تصرف و تربیت شرع است و صبغه الهی و رنگ قدسی دارد. عقلی هم که پشتیبانی شرع و تعالیم انبیای عظام و اولیای الهی را نپذیرد، اسمش عقل نیست، بلکه تدبیر و شیطنت نامیده می‌شود؛ چون بنده شهوت و غضب و شیطنت شده است. این عقل است که به دنبال عبادت خداست و به راحتی دین جامع اسلام را می‌پذیرد و برای اهتزاز پرچم اسلام ناب، چونان پیامبران و اولیای الهی، حاضر است از مال و جان و آبروی خویش بگذرد. این عقلانیت، عقلانیتی خالص است و جهت حرکتش به سمت خداست و تهدید و تطمیع و زر و زور در او اثری ندارد. لذا عزیز است و از این عزت با مبارزه و جهاد و ریختن خونس دفاع می‌کند؛ عقلانیتی که سراسر «معنویت» است و در برپاداشتن «عدالت» خسته نمی‌شود و خودش را نمی‌بازد و از پیگیری مطالبات حق خود کوتاه نمی‌آید و این عقل است که می‌تواند پایه مهم تشکیل امت واحده اسلامی و تمدن نوین اسلامی باشد. عقلانیت از دیدگاه امام دست کم، سه سطح دارد: ۱. عقلانیت معرفتی که در سطح باورهای انسان است. در این سطح از عقلانیت، مسائل ریشه‌ای و پرسش‌های اساسی بشر، کانون تعقل و دقت قرار می‌گیرد. انسان بر پایه این نوع عقلانیت عمل خود را در ساحات مختلف برنامه‌ریزی می‌کند (امام خمینی، ۱۳۷۷ ب، ص ۱۲۰-۱۲۹)؛ ۲. عقلانیت اخلاقی و ارزشی که شأن عقل به رابطه انسان و معماری اخلاقیات بازمی‌گردد و انسان می‌کوشد در مسیر رسیدن به غایت قصوای الهی، بنابر اخلاق حسنه و ملکات فاضله عمل کند (همان، ص ۶)؛ ۳. عقلانیت ابزاری که مهندسی و اندازه‌گیری و نظام و پیش‌بینی نقش عقل در محاسبات مادی برای رسیدن به شکوفایی مادیات و

آباد کردن دنیا در نظر گرفته می‌شود. حضرت امام، عقلانیت جدید را ذیل دو سطح دیگر از عقلانیت می‌داند، نه در رأس آنها یا حتی در عرضشان؛ یعنی عقلانیت جدید تا هنگامی ارزشمند است و می‌توان از آن بهره گرفت که با سطوح دیگر عقلانیت همخوانی داشته باشد و پیوند بخورد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، عقلانیت را به معنای استخراج نیروی خرد انسانی و حاکم قراردادن بر تفکرات و اعمال انسان می‌داند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۸۸/۴/۲۹) و کاربرد بسیار وسیعی برای عقل در فهم و تشخیص اهداف و ابزارها قائل هستند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۸۳/۵/۲۵).

ایشان عقلانیت را از ثمرات اسلام می‌داند و با تأکید بر پیوند میان عقلانیت و عقل کلی الهی و حقایق و حیاتی، مفهوم عقلانیت دینی را تبیین می‌کند. ایشان به تبع امام خمینی عقلانیتی را مورد تأکید و توجه قرار می‌دهد که تحت تصرف و تربیت شرع باشد نه در اختیار هوی و هوس و امیال نفسانی و حتی با آن مبارزه نیز می‌کنند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۱۲/۱).

تعاریف مختلفی از عقل توسط آیت‌الله خامنه‌ای صورت گرفته است. گاه عقل به معنای قوه ادراک در انسان در کنار قوای حسّی و قلبی است، گاه به معنای فکر و خرد و قوه تدبیرگر و استدلال‌کننده است، گاهی عقل، در معنایی است که در کتب اخلاقی بکار می‌رود و مستند به حدیث مشهور «العقل ما عبد به الرحمن و اكتسب به الجنان» است، گاهی عقل به‌مثابه موازین عقلی و ضابطه‌های صحیح فهم و تفکر است و گاهی عقل به معنای یکی از منابع دین و استنباط احکام و دستورات الهی و در کنار کتاب، سنت و اجماع به‌کار برده شده است. علاوه بر این، گونه‌های مختلفی از عقل مانند عقل فلسفی، عقل معیشت، عقل معنوی و... در سخنان رهبر انقلاب کاربرد داشته است؛ ولی باید توجه داشت که عمولاً مقام بیان این تعاریف، در شرایطی بوده است که گوینده، در گفتار خود سعی بر آن داشته که نحوه به‌کارگیری عقل را در فرآیند پیشرفت و جامعه‌سازی و تمدن‌سازی طرح کند. با این توضیح، عقلانیت از نظر آیت‌الله خامنه‌ای یعنی کار سنجیده، به کار گرفتن خرد و تدبیر و فکر و محاسبات؛ همچنین توجه به ظرفیت و کار کارشناسی، مطالعه درست و ملاحظه جوانب و آثار و تبعات یک اقدام (آیت‌الله خامنه‌ای،

۱۳۸۴/۶/۸). کلماتی که در بیانات ایشان دارای معاضدت معنایی با عقلانیت هستند عبارتند از: خردگرایی، محاسبه، درایت، تدبیر، تفکر، آزادفکری، منطق و استدلال. کلماتی نیز که در گفتار ایشان دارای تقابلهای معنایی با عقلانیت هستند عبارتند از: محاسبه محافظه‌کارانه، قشری‌گری، تحجر، سازش‌کاری با دشمن و اسیر اوهام و تخیلات خود شدن.

۳. نقش عقلانیت در شکل‌گیری مراحل رسیدن به تمدن نوین اسلامی

همان‌طور که در مقدمه ذکر شد، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، پنج مرحله برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی ذکر می‌کنند که عبارتند از: انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی. اکنون به بررسی نقش عقلانیت در شکل‌گیری هر یک از این مراحل در اندیشه امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای می‌پردازیم.

۳-۱. نقش عقلانیت در اندیشه امام خمینی (ره) در رسیدن به تمدن نوین اسلامی

امام خمینی فطرت مخموره را وزیر عقل و مبدأ خیرات و خود خیر و فطرت محجوبه به طبیعت را وزیر جهل و مبدأ شرور و بلکه خود شر می‌دانند (امام خمینی، ۱۳۷۷ الف، ص ۸۰). به عبارت دیگر، خیر وزیر عقل و شر، وزیر جهل است. ایشان در کتاب شرح حدیث جنود عقل و جهل، می‌فرمایند که انسان علاوه بر عقل دارای سه قوه وهم، شهوت و غضب است که قوه واهمه را قوه شیطنت، قوه شهویه را نفس بهیمی و قوه غضبیه را نفس سبعی می‌نامند و بر اساس این سه قوه، هفت نوع انسان را تصویر می‌کنند که می‌توان به تبع آن هفت نوع تمدن را نیز تصور کرد که هیچ یک تحت حاکمیت عقل و جنود آن نیستند و آنها را تمدن‌های متدانی می‌نامیم (امام خمینی، ۱۳۷۷ الف، ص ۱۴۹-۱۵۰). تنها تمدنی که متعالی است، تمدن تحت حاکمیت عقل است که آن سه قوه را نیز تحت حاکمیت خود قرار داده است و به هر میزان که جنود عقل در آن تمدن شکوفاتر شوند، فضایل انسانی در آن پررنگ‌تر شده و به سعادت نزدیک‌تر خواهد شد.

بنابراین، اگر عقل رئیس وجود شود، فرد حتماً دین‌دار و تمدن نیز اسلامی می‌شود. چون عقل

پیامبر باطنی است و وحی و پیامبران ظاهری آمده‌اند تا عقل را برای ریاست بر قوه شهوت و غضب و شیطنت یاری و او را تقویت کنند. اگر شهوت ریاست عقل را بپذیرد، تبدیل به عفت می‌شود؛ غضب نیز به شجاعت و شیطنت به حکمت و بصیرت تبدیل می‌شود. جمع همه اینها عدالت می‌شود. بنابراین، منظور امام از تمدنی که عقل رئیس و محرک آن است، یک تمدن عادلانه است. یعنی تمدنی که دارای عفت، شجاعت و حکمت و بصیرت است.

کارویژه تمدن اسلامی مطلوب از دیدگاه امام خمینی، بسط فضایل و مبارزه با رذایل برای تحقق و تحکیم برادری بین آحاد جامعه است تا جامعه به صورت یک پیکر درآید. لذا ضروری است دولت اسلامی سیاست‌های اخلاقی را با رویکرد بسط عقلانیت که ابزار گسترش فضایل و جنود عقل است پیگیری کند تا برادری در جامعه ایجاد و تقویت شود و جامعه به صورت موجود واحدی درآید. در این صورت است که مدینه‌ای فاضله شکل می‌گیرد. در مدینه فاضله آراستگی به فضایل و پیراستگی از رذایل، چون دارای مراتب گوناگون و مشکک هستند، مجدداً روی می‌دهد و همین چرخه مجدداً به صورت هم‌افزا تکرار می‌شود (لک‌زایی، ۱۳۹۶، ص ۱۴۳-۱۴۴).

۲-۳. نقش عقلانیت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای در رسیدن به تمدن نوین اسلامی

آیت‌الله خامنه‌ای در میان عوامل مؤثر در شکل‌گیری تمدن اسلامی، نقش برجسته و ممتاز و درجه اولی برای عقلانیت قائل هستند؛ به‌صورتی که معتقدند اگر عقلانیت در کنار سایر عوامل حضور نداشته باشد، آنها نیز به انحراف کشیده می‌شوند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۶/۱۶ و ۱۳۸۷/۶/۲).

۱-۲-۳. نقش عقلانیت در انقلاب اسلامی

ایشان انقلاب اسلامی ایران را ناشی از عقلانیت مردم می‌دانند و بدین‌وسیله درصدد رد نظریه افرادی هستند که انقلاب اسلامی را یک شورش و حرکت احساسی و هیجانی مردم می‌دانند. از نظر ایشان، عقلانیت برای ایجاد انقلاب اسلامی، یعنی ایجاد گفتمان حق‌طلبی، عدالت‌خواهی و آزادی‌خواهی در بین مردم (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۶/۸).

۲-۲-۲. نقش عقلانیت در شکل‌گیری نظام اسلامی

مرحله بعد در تحقق تمدن اسلامی، ایجاد نظام اسلامی است و نقش عقلانیت در این مرحله با رفتارهایی مشخص می‌شود که به تثبیت نظام اسلامی بینجامد. آیت‌الله خامنه‌ای انتخاب مردم‌سالاری به‌عنوان شیوه اداره حکومت، تدوین قانون اساسی توسط خبرگان منتخب ملت و سپس برگزاری فراندوم قانون اساسی و در نهایت، سرسختی و عدم انعطاف امام در مقابله با دشمن مهاجم را از مظاهر عقلانیت ایشان در مرحله ایجاد نظام اسلامی می‌داند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۳/۱۴). تمامی این رفتارها منجر به تثبیت نظام اسلامی شد.

آیت‌الله خامنه‌ای نظام جمهوری اسلامی را نظامی عقلانی دانسته و تأکید دارند که عقلانیت باید بر تمام ارکان این نظام حاکم باشد:

«نظام جمهوری اسلامی، نظامی است عقلانی، نظامی است دانشی. عقلانیت باید بر تمام ارکان این نظام از بالا تا پایین حاکم باشد» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۶/۱۹).

۳-۲-۳. نقش عقلانیت در شکل‌گیری دولت اسلامی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دولت اسلامی را، مجموعه‌ای از همه کارگزاران کشور دانسته و آن را منحصر در قوه مجریه نمی‌داند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۶/۸).

ایشان تحقق دولت اسلامی را امری محتوایی و منوط به انطباق جهت‌گیری و عمل کارگزاران نظام با مبانی اسلام و اهداف انقلاب بر می‌شمارند. آیت‌الله خامنه‌ای در همین زمینه، عملکرد کارگزاران را در رفتار و زندگی مردم، کاملاً تأثیرگذار دانسته و می‌افزایند:

«اگر مسئولان و مدیران کشور نتوانند در رفتار و گفتار به نصاب لازم و در خور شأن جمهوری اسلامی برسند نباید مردم را ملامت کنند؛ چراکه اگر کارگزاران نظام، حقیقتاً اسلامی شدند رفتار مردم هم، بالطبع اسلامی می‌شود و کشور نیز اسلامی خواهد شد» (همان).

آیت‌الله خامنه‌ای شاخصه‌هایی را برای دولت اسلامی ذکر می‌کنند که همگی بر اساس عقلانیت مذکور در حدیث جنود عقل و جهل قابل طرح است. رهبر معظم انقلاب بر این باورند که

مسئولان و کارگزاران نظام باید بیشتر به سمت اسلامی شدن و مؤمنانه زندگی کردن بروند و روح زندگی علوی یعنی عدالت، تقوا، پارسایی، پاکدامنی، بی‌پروایی در راه خدا و میل و شوق به مجاهدت در راه خدا را در خود زنده کنند. در آن صورت کارآمدی جمهوری اسلامی هم مضاعف خواهد شد؛ چون مشکل اساسی‌ای که ممکن است برای نظام اسلامی پیش بیاید، کارآمدی در نگاه جهانی است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۸/۶).

آیت‌الله خامنه‌ای، وظایفی را نیز بر اساس عقلانیت اسلامی برای دولت اسلامی ذکر می‌کنند که عبارتند از: گسترش علم و دانایی، آزاداندیشی، مبارزه با فساد، تأمین عزت ملی و به تعبیر رایج غرور ملی و مبارزه عاقلانه، حرفه‌ای و شجاعانه با ابعاد مختلف نظام سلطه جهانی، خدمت‌رسانی محسوس به مردم، تحول در شیوه‌های خدمت‌رسانی و پاسخگویی، کار متوازن و هماهنگ و ساده‌زیستی (همان).

رهبر معظم انقلاب اسلامی، در سخنرانی نوروزی در حرم مطهر رضوی در اول فروردین سال ۱۳۹۶ «مدیر قوی» و «اقتصاد قوی» را لازمه پیشرفت همه‌جانبه کشور دانستند. رهبر انقلاب اسلامی «مدیر قوی» را با عناوین «مدیر انقلابی»، «مدیر جهادی» و «مدیر کارآمد» نیز یاد کرده‌اند.

شاخصه‌های مدیر کارآمد از نظر ایشان عبارتند از: فعال و پرتحرک بودن، متعهد، متدین، شجاع و بانگیزه بودن، پی‌گیری کردن کار تا رسیدن به نتیجه مطلوب، توجه داشتن به اولویت‌ها، تشویق کردن نیروهای با استعداد، کار کردن با نیت الهی و مبتنی بر علم و درایت، ملاحظه جوانب و آثار هر اقدام، استفاده از ظرفیت کارشناسی، صادق و مسئولیت‌پذیر، متعهد به مردم و نظام اسلامی، داشتن کفایت لازم برای انجام کارها، مردم‌دار و دلسوز بودن.

در مقابل، یک مدیر کارآمد نباید چنین شاخصه‌هایی داشته باشد: ضعیف، بی‌حال و ناامید نباشد، سرگرم اختلافات داخل کشور نشود، به دنبال جمع ثروت برای خود نباشد، تنبل، بی‌حال و سهل‌انگار نباشد و در دستگاه تحت مدیریتش فساد نفوذ نکند.

۳-۲-۴. نقش عقلانیت در شکل‌گیری جامعه اسلامی

بعد از آنکه انقلاب اسلامی انجام گرفت و نظام اسلامی تحقق یافت و دولت اسلامی شکل گرفت، در سایه اینها جامعه اسلامی هویدا می‌شود. ایشان شاخصه‌های جامعه اسلامی را اینگونه ذکر می‌کنند:

«جامعه اسلامی یعنی جامعه‌ای که در آن، آرمان‌های اسلامی، اهداف اسلامی، آرزوهای بزرگی که اسلام برای بشر ترسیم کرده است، تحقق پیدا کند. جامعه‌ای عادل، برخوردار از عدالت، جامعه آزاد، جامعه‌ای که مردم در آن، در اداره کشور، در آینده خود، در پیشرفت خود دارای نقش‌اند، دارای تأثیرند، جامعه‌ای دارای عزت ملی و استغنا ملی، جامعه‌ای برخوردار از رفاه و مبرای از فقر و گرسنگی، جامعه‌ای دارای پیشرفت‌های همه‌جانبه - پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت سیاسی و بالاخره جامعه‌ای بدون سکون، رکود و توقف و در حال پیشروی دائم؛ این آن جامعه‌ای است که ما دنبالش هستیم. البته این جامعه تحقق پیدا نکرده، ولی ما دنبال این هستیم که این جامعه تحقق پیدا کند. پس این شد هدف اصلی و مهم میانه ما» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۲۴).

شاخصه‌هایی که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برای جامعه اسلامی برمی‌شمرند، مواردی است که برای ایجاد جامعه‌ای تکامل یافته بر اساس فطرت مخموره انسانی مذکور در حدیث جنود عقل و جهل وجود داشت و تقریباً بیشتر آن صفات در اینجا ذکر شده‌اند.

۳-۲-۵. نقش عقلانیت در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی

آیت‌الله خامنه‌ای در این مرحله نیز به ذکر شاخصه‌های تراز برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی می‌پردازد که تماماً برخواسته از مبنای نظری حضرت امام خمینی، مذکور در حدیث جنود عقل و جهل است. ایشان راه برافراختن پرچم تمدن نوین اسلامی را اینگونه بیان می‌کنند:

«راهش تربیت نسلی است با یک خصوصیتی که آن خصوصیات اینها است؛ یک نسلی باید به وجود بیاید شجاع، باسواد، متدین، دارای ابتکار، پیش‌گام، خودباور،

غیور؛ - البته خوشبختانه ما امروز در نسل جوان بسیاری از این خصوصیات را داریم اما این بایستی گسترش پیدا کند- چنین نسلی لازم داریم. بایستی ایمان داشته باشد، سواد داشته باشد، غیرت داشته باشد، شجاعت داشته باشد، خودباوری داشته باشد، انگیزه کافی برای حرکت داشته باشد، توان جسمی و فکری حرکت داشته باشد، هدف را در نظر بگیرد، چشم را به اهداف دور متوجه نکند و به تعبیر امیرالمؤمنین «أَعْرِ اللَّهَ جُمُوعًا مِّنْكَ»؛ زندگی خودش و وجود خودش را بگذارد در راه این هدف و با جدیت حرکت کند؛ در یک کلمه یعنی یک موجود انقلابی» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۷/۲۸).

ایشان در فرازی دیگر، پایه اصلی ایجاد تمدن نوین اسلامی را تربیت انسان‌هایی با این خصوصیات ذکر می‌کنند:

«دانا باشند، توانا باشند، خردورز باشند، پارسا باشند، پرهیزکار باشند، پاکدامن باشند، کارآمد باشند، مبتکر باشند، شجاع باشند، اهل اقدام باشند، از دشمن نترسند، از تهدید نترسند، خواب‌رفتگی و غفلت پیدا نکنند؛ یک چنین جوان‌هایی، پایه اصلی ایران سربلند فردا است، پایه اصلی تمدن نوین اسلامی است» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۲/۱۱).

دقت در این بیانات، نشانگر ذکر سبک جدیدی از زندگی تحت عنوان سبک زندگی اسلامی یا سبک زندگی مؤمنانه است که عقل در آن حاکم و رئیس وجود است و بقیه قوا تحت حاکمیت آن قرار دارند. در این صورت است که عدالت در سرزمین وجودی انسان مؤمن و به تبع آن در جامعه اسلامی حکم فرما خواهد بود و در مسیر سعادت گام خواهد برداشت و تبدیل به الگویی برای همه مردم جهان خواهد شد.

آیت الله خامنه‌ای اصل قضیه تمدن سازی نوین اسلامی را درست کردن سبک زندگی، رفتار اجتماعی، اخلاق عمومی و فرهنگ زندگی مطرح کرده و می‌فرماید: «در آداب زندگی اسلامی، همه آنچه را که مورد نیاز ماست، می‌توانیم پیدا کنیم» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

در جدول زیر مجموع بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص جایگاه عقلانیت در شکل‌گیری مراحل تمدن نوین اسلامی مشاهده می‌شود.

مرحله تمدنی	جایگاه عقلانیت در شکل‌گیری این مرحله
۱	انقلاب اسلامی ایجاد گفتمان حق‌طلبی، عدالت‌خواهی و آزادی‌خواهی
۲	نظام اسلامی تثبیت ارکان نظام اسلامی و پایه‌گذاری اصولی آنها حاکم بودن عقلانیت بر تمامی ارکان از بالا تا پایین
۳	دولت اسلامی رفتار و عملکرد مسئولان بر اساس شاخصه‌های اسلامی شجاع بودن دوری از هوا و هوس ذلیل طمع و ترس نبودن عدالت، تقوا، پارسایی، پاکدامنی، بی‌پروایی در راه خدا و میل و شوق به مجاهدت در راه خدا گسترش علم و دانایی، آزاداندیشی، مبارزه با فساد، تأمین عزت ملی و به تعبیر رایج غرور ملی و مبارزه عاقلانه، حرفه‌ای و شجاعانه با ابعاد مختلف نظام سلطه جهانی، خدمت‌رسانی محسوس به مردم، تحول در شیوه‌های خدمت‌رسانی و پاسخگویی، کار متوازن و هماهنگ و ساده‌زیستی
۴	جامعه اسلامی جامعه‌ای عادل، برخوردار از عدالت، جامعه آزاد، جامعه‌ای که مردم در آن، در اداره کشور، در آینده خود، در پیشرفت خود دارای نقش‌اند، دارای تأثیرند، جامعه‌ای دارای عزت ملی و استغنائی ملی، جامعه‌ای برخوردار از رفاه و مبرای از فقر و گرسنگی، جامعه‌ای دارای پیشرفت‌های همه‌جانبه - پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت سیاسی و بالاخره جامعه‌ای بدون سکون، رکود و توقف و در حال پیشروی دائم
۵	تمدن نوین اسلامی نسل شجاع، باسواد، متدین، دارای ابتکار، پیش‌گام، خودباور، غیور جوانان دانا، توانا، خردورز، پارسا، پرهیزکار، پاکدامن، کارآمد، مبتکر، شجاع، اهل اقدام، از دشمن‌ترسند، از تهدید‌ترسند، خواب‌رفتگی و غفلت پیدا نکنند تغییر در رفتارهای فردی و اجتماعی و به عبارتی تغییر در سبک زندگی و ایجاد سبک زندگی اسلامی و مؤمنانه

۴. نتیجه‌گیری

عقلانیت یکی از ارکان تمدن در بعد مادی و معنوی است و نوع مواجهه با عقلانیت و تعریف آن و شناخت کارکرد و جایگاه آن در فرآیند و برآیند شکل‌گیری مراحل تمدن تأثیر بسزایی دارد. از منظر امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای، عقلی که پشتیبانی شرع و تعالیم انبیای عظام و اولیای الهی را نپذیرد، عقل نیست، بلکه تدبیر و شیطنت نامیده می‌شود. لذا انسانی که از این عقل بهره‌مند نیست، عاقل نمی‌باشد و در نتیجه تمدنی که با چنین انسان‌هایی شکل گرفته باشد، تمدن عقلانی نیست. بنابراین، باید عقلانیت صحیح که متکی به شرع و تعالیم انبیا و اولیای الهی است به انسان‌ها معرفی شود و مصادیق آن معرفی گردد.

برای درک بهتر عقلانیت صحیح و در نتیجه علاقه‌مندی به آن لازم است تا معادل‌های معنایی موارد به کار رفته در حدیث شریف جنود عقل و جهل استخراج و به جامعه عرضه شود تا مردم بتوانند آن نشانه‌ها را در خود متجلی کنند و از طرف دیگر به وسیله آنها رفتار دولتمران و جامعه خود را ارزیابی کنند. تعدادی از این شاخصه‌ها توسط امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای بیان شده و لازم است موارد بیشتری احصا و معرفی گردد.

در این شرایط تاریخی که معایب تمدن غربی آشکار شده و به تعبیر رهبر معظم انقلاب در یک پیچ تاریخی قرار داریم، تنها راه دستیابی به تمدن نوین اسلامی و فائق شدن بر تمدن غربی و جلوه‌های آن، به‌کارگیری عقلانیت در راه رسیدن به این هدف متعالی است.

منابع

۱. امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۷ الف). شرح حدیث جنود عقل و جهل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲. امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۷ ب). شرح چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۳. امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۷). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۴. بهمنی، محمدرضا (۱۳۹۳). تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای. نقد و نظر، ۱۹ (۲)، ۱۹۸ - ۲۳۷.
۵. جان احمدی، فاطمه (۱۳۸۸). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. تهران: دفتر نشر معارف.
۶. حیدری، عباس؛ گردشتی، حمیدرضا (۱۳۹۵). نقش جمهور در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر دیدگاه امام خمینی و قانون اساسی. سیاست متعالیه، ۴ (۱۴)، ۱۱۷ - ۱۳۴.
۷. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۸/۲/۱۱). بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42410>
۸. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۹/۳/۱۴). بیانات در اولین ساگرد مراسم ارتحال امام خمینی. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2318>
۹. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۷/۶/۱۹). بیانات در دیدار رؤسای سه قوه و مسئولان نظام. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3783>
۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰/۳/۱۴). بیانات در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12595>
۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۱/۷/۲۳). بیانات در جمع جوانان استان خراسان شمالی. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>
۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵/۷/۲۸). بیانات در دیدار نخبگان علمی جوان. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34703>

۱۳. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۸/۴/۲۹). بیانات در سالروز عید سعید مبعث. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7435>
۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۰/۱۲/۱). پیام رهبر معظم انقلاب به کنگره عظیم حج. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=972>
۱۵. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۳/۸/۶). بیانات در دیدار کارگزاران نظام. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3256>
۱۶. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۴/۶/۸). بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3304>
۱۷. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲/۲/۹). بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22405>
۱۸. فوزی، یحیی؛ صنم‌زاده، محمودرضا (۱۳۹۱). تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی. تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ۳ (۹)، ۷-۴۰.
۱۹. لک‌زایی، نجف (۱۳۹۶). اندیشه سیاسی امام خمینی (ره). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۰. معینی‌پور، مسعود؛ عبدالله نسب، محمدرضا (۱۳۹۵). رابطه ولایت و جمهوریت در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای. سیاست متعالیه، ۴ (۱۵)، ۸۳-۱۰۰.
۲۱. نعیمی‌ان، ذبیح‌الله (۱۳۸۹). بنیادشناسی و زمینه‌شناسی عقلانیت. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

استناد به این مقاله

DOI: 10.22034/sm.2020.128983.1542

لاجوردی، سید شهاب؛ معینی‌پور، مسعود (۱۳۹۹). جایگاه عقلانیت در شکل‌گیری مراحل رسیدن به تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای. سیاست متعالیه، ۸ (۲۸):

ص ۷۰-۵۳